

SCHEFFLER, ISRAEL

ایزرئیل شفلر (۲۰۱۴-۱۹۲۳) عضو هیأت علمی باسابقه دانشگاه هاروارد، از چهره‌های پیشگام فلسفه تعلیم و تربیت آنگلوامریکایی^۱ در طی نیمه دوم قرن بیستم میلادی است. او علاوه بر این حوزه از محققان برجسته در شناخت‌شناسی، فلسفه زبان، و فلسفه علم بود. از مشخصه‌های آثار شفلر، پیوند دوگانه میان فلسفه عمومی و فلسفه تعلیم و تربیت بود. جوهر فلسفه تعلیم و تربیت او آرمان عقلانیت است. عقلانیت شفلری به روح انتقادی و تقاضا برای عرضه دلایل، همچنین شایستگی و تمایل برای ارزیابی این دلایل اشاره دارد و این امر اهمیتی شناخت‌شناسانه و اخلاقی دارد.

زمینه‌های فلسفی

نمی‌توان فلسفه تعلیم و تربیت شفلر را جدای از زمینه کار گسترده فلسفی او به درستی درک کرد. نخست اینکه فلسفه تعلیم و تربیت او در کل، بازتاب پشتوانه‌های او در حوزه فلسفه تحلیلی و عمل‌گرایی فلسفی است؛ دوم اینکه، بازتعریف جالب توجه شفلر از مفهوم عینیت^۲ و دفاع از آرمان عینیت در شناخت‌شناسی و فلسفه علم برای تفسیر مناسب صورت‌بندی او از عقلانیت همچون آرمان حیاتی تربیت اهمیت دارد؛ سوم اینکه، دو منبع مشخص الهام او باید در متن کار شفلر مورد اشاره قرار گیرند: یکی از آنها فلسفه نلسون گودمن^۳ استاد راهنمای دکتری شفلر که پس از آن بدل به دوست و همکار او در دانشگاه هاروارد شد و دیگری پس‌زمینه یهودی شفلر در تعلیم و تربیت بود.

رویکرد فلسفی شفلر، ریشه در سنت فلسفه تحلیلی و به‌ویژه بینش‌ها و مباحث فلسفی حلقه وین داشت که تأثیر ماندگار خود را در سبک فلسفی و کانون توجه او نشان داد. ایده حل مسائل فلسفی با ایضاح زبان عادی که در آن مسائل بدون شده‌اند و کاربرد منطق نمادین در مسائل، میراث فلسفه تحلیلی در آرای شفلر هستند. علاوه بر این می‌توان در شناخت‌شناسی، فلسفه علم و فلسفه تعلیم و تربیت شفلر پیش فرض‌های عمل‌گرایی فلسفی را ملاحظه کرد. پای‌بندی به خط‌پذیری در شناخت‌شناسی از یک‌سو و نقش قیاسی عقلانیت در تربیت علمی و اخلاقی از سوی دیگر، بازتاب ایده‌های کلیدی عمل‌گرایان کلاسیکی همچون چارلز اس. پیرس^۴ و جان دیویی^۵ است.

کار شفلر در مورد نمادگرایی یعنی نظریه اندیشیدن و یادگیری به کمک نشانه‌ها، بار دیگر نشان از نزدیکی او به عمل‌گرایی کلاسیک دارد. همچنین نمادگرایی شفلر، ارتباط تنگاتنگی با کار گودمن دارد. کار شفلر در این حوزه بسط ملاحظات مربوط به قابلیت‌های نمادسازی ذهن انسان در قلمروهای تعلیم و تربیت، یادگیری و دین است.

پس‌زمینه یهودی شفلر نوعی دوزبانی فرهنگی را برای او فراهم آورد که ویژگی معمول بسیاری از فلاسفه بزرگ است. علاوه بر این او در ۱۹۹۵ م کتابی بانام *آموزگاران جوانی من*، به توصیف شباهت‌های تعلیم و تربیت یهودی‌اش و تأکیدات فلسفی‌اش بر "فرایند تفسیر مداوم"^۶ و "رویه صبورانه بی‌حدومرز تحقیق آدمی"^۷ پرداخت که در نقطه مقابل یادگیری از راه "جادو، بصیرت، دستورالعمل‌ها یا

۴. Charles S. Peirce

۵. John Dewey

۶. Teachers of My Youth

۷. continual interpretation

۸. the patient and endless process of human study

۱. Anglo-American

۲. objectivity

۳. Nelson Goodman

اقتدار" قرار دارد (ص ۱۸۶-۱۸۵).

یکی از مهم‌ترین نقش‌های شفلر در حوزه شناخت‌شناسی و فلسفه علم دفاع از عینیت بود. شفلر از امکان عینیت و نقادی و صورت‌بندی‌های گوناگون آن و تفسیری از عینیت دفاع کرد که به امکان‌های قطعیت یا صدق بستگی ندارد بلکه امکان ارزیابی و مقایسه نظام‌های عقیدتی رقیب را محفوظ می‌دارد.

همان‌گونه‌که، آلون نیمن^۲ و هاروی سیگل^۳ (۱۹۹۳) در کتاب عینیت و عقلانیت در شناخت‌شناسی و تعلیم‌وتربیت راه میانه شفلر را نشان داده‌اند، عینیت و عقلانیت به‌لحاظ مفهومی ایده‌آل‌های عقلانی درهم‌تنیده‌ای هستند. آنها می‌گویند: «عینیت مستلزم ارزیابی منصفانه مبانی، دلایل، شواهد و آزمون‌های مرتبط است. عقلانیت مستلزم این است که این ارزیابی عینی یعنی منصفانه، بی‌طرف و مستقل باشد» (ص ۶۱).

فلسفه تعلیم‌وتربیت

کلید فلسفه تربیتی شفلر نهفته در تفسیر وی از نظریه عقلانیت و توسعه برداشت او از آرمان‌های بنیادی تربیتی است. در وهله اول باید حساب عقلانیت شفلری را از حساب عقلانیت ابزاری جدا کرد آنهایی که خرد را به‌طور صرف ابزاری برای سنجش وسایل رسیدن به غایت‌ها می‌دانند؛ درحالی‌که، خود غایت‌ها فراسوی محدودیت‌های خرد درک می‌شوند. همچنین در تبیین شفلر، غایت‌ها می‌توانند به‌نحوی عقلانی مورد ارزیابی قرار گیرند؛ در مرحله دوم، عقلانیت شفلری نباید به‌منزله تضاد خرد با

عاطفه فهمیده شود. اگرچه خرد و تفکر انتقادی ابزار مهمی برای حفظ ما از سوءاستفاده عاطفی هستند، اما عواطف همچنین کارکرد مثبتی در همکاری با شناخت در فرایند دست‌یابی به درک جدید از راه یادگیری یا تحقیق را برعهده دارند؛ در سومین مرحله، حوزه عقلانیت وسیع‌تر از قلمروی علم است و ایده عقلانیت؛ برای مثال، در قلمرو اخلاق کاربرد دارد. این سه ملاحظه برای اجتناب از این ارزیابی نادرست حیاتی هستند که تمرکز بر رشد عقلانیت منجر به محدود شدن حوزه تعلیم‌وتربیت می‌شود.

شفلر (۱۹۷۳) در کتاب خرد و تدریس^۴ اظهار داشت که «چشم انداز مناسب تعلیم‌وتربیت گسترده‌تر از تمدن خودبه‌خودی است». او قویاً مخالف هرگونه تلاش برای محدود کردن این حوزه است. او می‌نویسد: «محدودیت برای شناخت و قلمرو آکادمیک و نه گفتن به هسته سخت علم، ریاضیات، و فناوری از دید من مصیبت است». بدین ترتیب مطابق نظر شفلر «تنگ کردن فضای تعلیم‌وتربیت، محدود کردن درک کاربردی ما از تمدن است» (۶۰).

آرمان تربیتی عقلانیت تأثیر شناخت‌شناسانه و اخلاقی دارد. به‌لحاظ شناخت‌شناسی، عقلانیت با بهترین شیوه‌های دستیابی به درک مناسب در ارتباط است. به‌لحاظ اخلاقی، مربی باید به شکوفایی قابلیت‌های دانش‌آموزان در تفکر انتقادی متعهد باشد و به دنبال دلایل و همچنین توانایی آنها برای پرسش گرفتن تصوراتشان باشد.

علاوه‌براین، تعلیم‌وتربیتی که عقلانیت را پرورش می‌دهد با شکوفایی مردم‌سالاری در پیوند است، زیرا لازمه مردم‌سالاری وجود شهروندانی است که قابلیت تفکر انتقادی و به پرسش گرفتن تصوراتشان و عرضه راه‌حل‌های مناسب و

۱. Magic visions formulas or authority

۲. Alven Neiman

۳. Harvey Siegel

۴. Reason and Teaching

شفلر، ایزرئیل

بود و کتاب *شرایط شناخت*^۳ (شفلر، ۱۹۶۵) ایده فلسفه تحلیلی تعلیم و تربیت در تحلیل دقیق ارتباطات میان مفاهیم شناخت‌شناسانه و تربیتی همچون دانش و تدریس را آشکار ساخت. بخشی از کتاب *خرد و تدریس*^۴ (شفلر، ۱۹۷۳) عرضه کننده تمرکز وسیع در تحلیل روابط میان تربیت اخلاقی و علمی، فلسفه و فعالیت سیاسی، و تعلیم و تربیت مردم‌سالاری است. کتاب *در ستایش عواطف شناختی*^۵ (شفلر، ۱۹۹۱) تدوام فرایند گسترش چشم‌انداز به کمک تحلیل کردن برای مثال نقش عواطف در فرایند پژوهش است. کتاب *استعداد آدمی*^۶ (شفلر، ۱۹۸۵) با بهره‌بردن از نمادگرایی که در سنت عمل‌گرایی بسط یافته‌اند، نشان دهنده موضع فلسفی او در خصوص یادگیری است، و کتاب *جهان نشانه‌ها*^۷ (شفلر، ۱۹۹۷) بسط نظریه نمادگرایی در زمینه‌های گوناگونی همچون هنر، زبان، بازی، دین و علم است. شفلر در هزاره جدید، موضعی شناخت‌شناسانه و هستی‌شناختی تدوین کرد و آن را تکثرگرایی نامید. هدف از این موضع عرضه ترکیبی برای حل تفاوت‌های دیرینه میان گودمن و شفلر در موضوع واقع‌گرایی با وحدت‌بخشیدن به مفهوم کثرت‌گرایی نظام‌های نشانه‌ای است که ما با آن جهان(ها) را با فرض واقع‌گرایی تعریف شده از استقلال توصیف می‌کنیم. اگرچه کثرت‌گرایی به‌خودی‌خود سهمی در فلسفه تعلیم و تربیت برعهده ندارد، اما با نظریه‌پردازی تربیتی شفلر در ارتباط است و الزامات تربیتی مهمی در حفظ کثرت نظام‌های توصیف و امکان ارزیابی و اصلاح این نظام‌ها با خود به همراه دارد.

۳. Conditions of Knowledge

۴. Reason and Teaching

۵. In Praise of the Cognitive Emotions

۶. Human Potential

۷. Symbolic worlds

کافی برای مسائل مشترکشان را داشته باشند. جنبه دیگر اخلاقی و اجتماعی مرتبط با پرورش عقلانیت این است که مردم را در برابر سوءاستفاده مراجع دینی و سیاسی از قدرت محافظت می‌کند و باعث می‌شود تا جوامع مردم‌سالارانه از گزند استبداد در امان بمانند. به‌این‌معنا، در مجموع پای‌بندی به آرمان عقلانیت، وظیفه فیلسوفان نیز به‌شمار می‌آید. به زبان تربیتی، پرورش عقلانیت به‌لحاظ اخلاقی تعلیم و تربیت را از حالات تلقین کردن متمایز می‌سازد. اگرچه شفلر منتقد برخی از مفاهیم شناخت‌شناسانه دیوبی است اما ایده‌های او در رابطه با تعلیم و تربیت، مردم‌سالاری و خرد به وضوح بازتاب اندیشه‌های دیوبی است.

دیگر لحن عمل‌گرایانه مهم در اندیشه شفلر، فعالیت او در زمینه نمادگرایی^۱ است. شفلر نظریه‌های یادگیری و خلاقیت خود را به مانند عمل‌گرایان کلاسیکی همچون دیوبی، ویلیام جیمز، جرج هربرت مید و پیرس با ترسیم ایده ویژگی نمادسازی ذهن آدمی بسط داد. شفلر از نظریه وساطت نشانه‌ای به‌منزله خصوصیتی مهم در مفهوم‌سازی مناسب و بالقوه ماهیت آدمی و در نتیجه فرایند تعلیم و تربیت و یادگیری دفاع کرد.

وضوح مفهومی و استدلالی، مشخصه کلیه آثار شفلر است. به‌ویژه در شروع حرفه‌اش در فلسفه تعلیم و تربیت در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م، او هوادار کاربرد روش‌های فلسفه تحلیلی در فلسفه تعلیم و تربیت بود. کتاب *زبان تعلیم و تربیت*^۲ (شفلر، ۱۹۶۰) نمونه برجسته‌ای از کاربرد ابزارهای روشمندانانه فلسفه زبان در تحلیل شعارها، افسانه‌ها و استعاره‌های تربیتی

۱. Symbolism

۲. The Language of Education

سبک تحلیلی فلسفیدن و مرکزیت قائل شدن برای آرمان عقلانیت در تعلیم و تربیت، به‌طور طبیعی شفلر را با انتقادهای گوناگونی در طی دهه‌ها مواجه ساخت. عقلانیت به‌منزله آرمان شناخت‌شناسانه و تربیتی از زوایای گوناگون سیاسی، فرهنگی و فمینیستی مورد نقد واقع شد که شفلر خود به اکثر این انتقادات پاسخ داده است. برخی معتقدند که بخشی از سنت تحلیلی در نسبت با طیف وسیع دل‌مشغولی‌های تربیتی، توجه خود را محدود به موضوعات خاصی کرده است. اگرچه این نقد در کل به فلسفه تحلیلی وارد است، اما در مورد کار شفلر صادق نیست، زیرا فلسفه او گرچه آرمان‌های ایضاح مفهومی و استدلالی را با خود به همراه دارد اما موضوعات گسترده‌ای از جمله هنر، اخلاق و دین را مورد توجه قرار داده است.

شفلر تأثیر وسیعی بر فلسفه تعلیم و تربیت در جهان انگلیسی‌زبان برجای گذاشته است و آثار او به زبانهای گوناگون زیادی ترجمه شده‌اند. ماهیت استثنایی فلسفه تعلیم و تربیت او در نسبت دوسویه میان فلسفه عمومی و دل‌مشغولی‌های تربیتی نهفته است. در آثار شفلر روش‌های فلسفه تحلیلی و بصیرت‌های عمل‌گرایی فلسفی در تبادل نظر با پرسش‌های اخلاقی و عملی تعلیم و تربیت هستند. برداشت شفلر از عقلانیت به‌منزله آرمان حیاتی تربیتی، نمونه‌ای از سهم فلسفه تعلیم و تربیت در وحدت بخشیدن میان ابعاد اخلاقی، فلسفی و عملی است و این برای نظریه‌پردازی منسجم تعلیم و تربیت سرنوشت‌ساز است.

کتابشناسی

Philips, D.C. (ed), (۲۰۱۴), "Scheffler, Israel", Katariina Holma
Encyclopedia of Educational Theory and Philosophy.
London: SAGE Publications, Inc.

مترجم: محسن بهلولی فسخودی